

جوامع یهودی در شهرهای ایران

قابل توجه بازدید کنندگان گرامی: بعثت کثرت مطالب در آرشیو ما، این بخش هرچندگاه یکبار تکمیل و تصحیح میگردد. لطفا مجدداً از این بخش در ماههای آینده دیدن فرمائید. آخرین تغییر در تاریخ: 8/8/2007

اطلاعات درج شده در این بخش از سایت شهید از منابع گوناگونی گردآوری شده که شامل نوشته های محققین، اخبار و مندرجات نشریات، کتب و حتی سایت های مختلف اینترنتی و بالاخره شواهد و روایات یهودیان ساکن مراکز مختلف کشور میباشد. یکی از منابع مهم و موثق بدست آمده کتاب "تاریخ یهود ایران" نوشته دکتر حبیب لوی است که در سال ۱۳۳۹ شمسی به چاپ رسیده است. وی در فصل دوازدهم جلد سوم کتاب خویش در خصوص شهرها و قصباتی که در آن زمان یهودی نشین بوده اطلاعات مهمی را عرضه مینماید که بعضی از این ارقام و اطلاعات مربوط به سنوات ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۲ میلادی و برگرفته از تحقیقات آقای شلمو کهن صدق در طی مسافرتهايش در ایران میباشد که بعد خود دکتر لوی اطلاعات دیگری را به آنها افزوده است. از مطالعه این اطلاعات میتوان به وضع پراکندگی، اجتماعی و آمار مربوط به جامعه یهودی ایران در شهرهای کشور طی سنوات گوناگون پی برد.

پراکندگی یهودیان در ایران از بازماندگان جوامع یهودیانی میباشد که قبل از حمله مغول به ایران در نعمت و آسایش زندگی میکردند و پس از هجوم مغول و دیگر وقایع تاریخی بخاطر ظلم و جور و محدودیتهای اجتماعی بوجود آمده از آن زمان کوچ به مناطق مختلف کشور را آغاز کردند و از قرن نوزدهم میلادی دست به مهاجرت به اورشلیم نمودند. وضع کلی جامعه کلیمیان ایران تنها با آغاز سلطنت پهلوی رو به بهبود نهاد. (ادامه دارد...)

آبادان

یهودیان آبادان پیش از جنگ دارای دو کنیسا بود. کنیسای بزرگ آنجا با مساحت ۲۳۰ مترمربع بود که تاریخ ساختش به سال ۱۲۹۱ شمسی برمیگردد. این کنیسا توسط یکی از تجار بزرگ یهودی آبادان بنام عزرا الوی ساخته شد. این مرکز سالن اجتماعاتی به وسعت ۱۴۴ مترمربع دارد که گنجایش ۱۵۰ نفر را برای نیایش و ۲۹۰ نفر را برای شنیدن سخنرانی در خود جای میدهد. پس از انقلاب این کنیسه توسط دو نفر اداره میشد: یکی يك خاخام حدوداً ۶۰ ساله و نفر دیگر مسئول امور اداری کنیسه که يك مرد حدود ۴۵ ساله بود. خوشبختانه ساختمان کنیسه هنوز هم سالم است. ساختمان مذکور بعدها به دفتر روزنامه نگاران آبادان تبدیل شد و بعد از جنگ به محل دفتر نشریه ارون تبدیل گشت. این ساختمان را میتوان در فلکه الفی مشاهده نمود که بصورت بزرگ بر روی دیوار آن دفتر نشریه ارون نوشته شده است. یهودیان همچنین قبرستانی مخصوص به خود هم داشتند که خوشبختانه هنوز هم برای دیدار مردم باقی مانده است. این قبرستان در نزدیکی روستای شطیپ قرار دارد. این جامعه يك مدرسه ویژه خود نیز داشت. جامعه یهودیان آبادان در حدود ۲۰۰۰ نفر بودند که از اوایل سال ۱۹۵۰ میلادی مهاجرت به اسرائیل را شروع کردند و تعدادی از خانواده های آنها نیز برای کسب و زندگی به تهران نقل مکان کردند. در سال ۱۳۸۳ خورشیدی بنابه شواهدی دیگر اقلیت یهودی در این شهر باقی نمانده و باقی مانده آنها ساکن شیراز شده اند.

اراک

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران جمعیت یهودیان اراک در سال ۱۳۳۹ را ۳۰۰ نفر اعلام نموده که در آن زمان ۱ کنیسه و ۱ حمام عمومی داشته اند. افراد این جامعه از مهاجرین یهودی زرنجان، کاشان، همدان و گلپایگان بوده اند که به این شهر مهاجرت نموده بودند.

ازنا

ازنا با ۱۱۰ هزار نفر جمعیت از شهرستانهای استان لرستان است که در دامان پر مهر و شکوه اشترانکوه و در میان دشت وسیع جاپلق قرار دارد. در خصوص ساکنان یهودی شهرستان ازنا چیز زیادی در دست نیست جز اینکه امروزه میدانیم قسمتی از ساکنان شهرستان ازنا مانند چالسپار، یهودی بوده اند. قبرستان یهودیان یا دخمه های آنان نیز اکنون در پشت استادیوم ورزشی ازنا قرار دارد و حتی به منطقه ای از شهر ازنا نیز واقع در انتهای خیابان امیری (کوچه عربشاه) "یهودی محله" نیز میگویند. یهودیان ازنا غالباً به شغل طبابت و عطاری و یا تجارت و طلا فروشی مشغول بوده اند.

اسدآباد

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران، در رابطه با جامعه یهودی اسدآباد در سال ۱۳۳۹ مینویسد: "از سال ۵۶۲۰ این محل یهودی نشین شده و حالیه ۷-۸ خانوار دارد (۱۳۳۹ شمسی) و اغلب دکاندار و بزاز می باشند و قبرستان مخصوص هم دارند." این تنها اطلاعاتی است که از جامعه یهودی اسدآباد بدست آمده است.

بانه

از جامعه یهودی مقیم بانه اطلاعات زیادی در دست نیست. تنها میدانیم که در قرن نوزدهم میلادی این شهر یهودی نشین بوده است. دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران مینویسد مسبو باسان در سال 1901 در راپرتی به ایانس تعداد یهودیان بانه را 60 خانوار گزارش کرده است که این جامعه در اثر حمله سمتقو و نیز در اواخر جنگ با روس و عثمانی صدمه دیده است. در سال 1327 خورشیدی این جامعه حدوداً 40 خانوار بودند و اکثراً به زرگری و بازرگانی مشغول بوده و نیز محله خاصی برای خود داشتند. با اعلام استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی یهودیان بانه به فکر مهاجرت به اسرائیل افتادند و در اواخر بهار ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی) به

بم

ارگ بم در فاصله ۱۹۳ کیلومتری جنوب شرقی شهر کرمان و در ضلع شمال شرقی شهر زیبای بم و بر بالای صخره ای عظیم بنا گردیده که وسعت عظیم آن خود در واقع در ابعاد يك شهر مسکونی است و در ایام گذشته شهر قدیم بم بوده است .
در محله عام نشین این شهر قدیمی واحدهائی کشف شده اند که جالب تر از همه واحدی است بنام "سابات جهودها" که خیابانی سرپوشیده و به احتمال بسیار قوی محل زندگی کلیمیان این شهر بوده است و نشانگر زندگی مشترک اقوام آریائی و سامی در هزاران سال پیش در این ناحیه در کنار هم . در مورد زمان ساخت این ارگ اطلاع دقیقی در دست نیست ولی براساس نوشته های تاریخی ، قدمت آن به دوهزار سال پیش (قبل از دوره ساسانی و اشکانیان) میرسد و از آنزمان تا حدود ۱۸۰ سال پیش (یعنی دوره قاجار) مسکونی بوده است .
به هر حال از زندگی یهودیان ایران در شهر بم تا زمان معاصر دیگر اطلاعی در دست نیست و تنها اشاره به آنرا در کتاب تاریخ یهود ایران (جلد سوم) تالیف دکتر حبیب لوی میتوان یافت که می نویسد : "یهودی نشین این شهر از ۴۰-۵۰ سال قبل است (۱۹۱۰-۱۹۲۰ میلادی) که تجدید شده ولی شوخط (راو مسئول ذبح دام براساس اصول دین) ندارند . ساکنین اینجا از کرمان آمده اند ."
نکته جالب دیگری از زندگی مشترک اقوام مختلف در این شهر ، در همین بخش ذکر شده که : "ملا مشه یحزقل ملای کرمان از پیرمرد مسلمانی شنیده که اجدادش به او گفته اند در "خانه روغن" (گویا ناحیه ای درحوالی بم) مسجدی بوده که سالی یکبار جمعیت ، پارچه سفیدی روی سر انداخته نفیر میزدند ." (اشاره به مراسم کیپور روزه بزرگ یهودیان است) .

بروجرد

پس از مسلمانان یهودیان بروجرد بیشترین پیروان مذهبی این شهر را دارند . یهودیان بروجرد گویش مخصوص به خود را دارا میباشند که بمرور زمان بومی شده است . این عده بعنوان ساکنان قدیمی این شهر در زمینه های تجارت و پزشکی موفق بوده اند .
دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران تعداد یهودیان بروجرد در سال ۱۳۴۰ را حدود ۱۵۰۰ نفر و دارای يك کنیسه و يك حمام عمومی اعلام نموده است . بر اساس آخرین اطلاعات درج شده در اینترنت یهودیان این شهر در بازار بروجرد ، راسته بازار نسبتا بزرگی دارند که بیشتر به عمده فروشی و یا پارچه فروشی مشغولند (۱۳۸۴ خورشیدی) .

بهبان

آثار زندگی یهودیان سابقا در این شهر با مشاهده طلسم هائی بخط عبری وجود دارد و سابقا نیز ۲ کنیسه در آنجا وجود داشته است . گویا در عصر صفویه جامعه یهودی این شهر از بین رفته و از آن تاریخ دیگر یهودی نشین نشده است .

بوشهر

تاریخ یهودیان این شهر به سال ۱۷۳۰ میلادی باز میگردد که از یهودیان شیرازی ، کازرونی و اطراف تشکیل گردید . در سال ۱۸۷۶ میلادی در بوشهر ۳ کنیسه و ۷۰ خانوار یهودی وجود داشته است که از سال ۱۸۹۰ عده ای از آنها بعلت مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسوی اورشلیم مهاجرت کردند .
در کتاب تاریخ یهود ایران تعداد یهودیان بوشهر در سال ۱۳۳۹ تعداد ۴۰۰ نفر ذکر شده است .

بوکان

بوکان نیز در قرن نوزدهم میلادی یهودی نشین بوده است . دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران مینویسد مسیو باسان در سال 1901 در راپرتی به الیانس تعداد یهودیان بوکان را 60 خانوار گزارش کرده و از قول يك بوکانی مینویسد 200 خانوار یهودی این شهر در سال 1918 غارت شده اند . تا سال 1329 خورشیدی در حدود 100 خانوار کلیمی در بوکان و روستاهای اطراف سکونت داشتند که به مشاغلی همچون : زرگری ، طبابت ، دباجی ، بزازی و واسطه گری اشتغال داشتند .
یهودیان بوکان در میان خود به زبان عبری تکلم میکردند و به زبانهای کردی ، ترکی و فارسی آشنایی کامل داشتند .
با اعلام استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی یهودیان بوکان همگی اموال منقول و غیر منقول خود را فروخته و به اسرائیل مهاجرت کردند .

بیستون

تنها اطلاعات بدست آمده از یهودیان این ناحیه در کتاب تاریخ یهود ایران نوشته دکتر حبیب لوی است که مینویسد (در سال ۱۳۳۹) چهار دکاندار یهودی دارد .

تویسرکان

تویسرکان از شهرهای استان همدان است که گویا مقبره حقیق نبی از انباء بنی اسرائیل در آن واقع شده است (رجوع به اماکن مقدس یهودیان ایران) .
دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران ، در رابطه با جامعه یهودی تویسرکان در سال ۱۳۳۹ مینویسد :
"یهودیان فعلی تویسرکان فراریان اصفهان و قزوین و یزد هستند که در سال ۱۸۴۱ میلادی بطور فراری به این شهر آمده اند و عده ای هم فراریان قزوین که قبلا آمده بودند ." . وی در این کتاب تعداد افراد این جامعه در سال ۱۳۳۹ را ۳۵۰ نفر میخواند که برای خود يك کنیسه و يك حمام عمومی داشته اند .

مراکز آموزشی در تهران:

مراکز مهم آموزشی یهودیان تهران عمدتاً توسط افراد خیر جامعه ساخته شده و در راه بهبود وضع فرهنگی این جامعه فعالیت داشتند. بزرگترین این مراکز دبیرستان کوروش بود که در سال 1310 خورشیدی در چهارچوب "دبستان کوروش" افتتاح گردید. ایجاد این فکر در ابتدا از طرف فرج الله حکیم و دکتر حبیب لوی بود که در اثر کمکهای اسمعیل حی و حاجی عزیز القانیان و راب نعیم و عده دیگر از خیرخواهان جامعه مانند نورالله مکابی و مسیوری و یهودا هارونیان و بعداً اسحق بروخیم و عده دیگر این مرکز تاسیس شد. این مرکز در آغاز بصورت کرایه بود که بزحمت بودجه آن تامین میگردد ولی بمرور زمان محل نهایی آن خریداری شد. در آغاز تاسیس این مدرسه دکتر لقمان که تازه از رقیب خود رهایی یافته بود سعی نمود تا مشکل سازی از ادامه فعالیت آن جلوگیری نماید ولی بسرعت برای وزیر فرهنگ وقت آقای رهنما مسلم گردید که هدف انجمن کوروش غیر از امور فرهنگی نیست و برقراری این دبستان در محله حسن آباد که ساکنین زیادی از یهودیان را دارا بود و با توجه به اینکه در آنجا مدرسه دیگری وجود نداشت، افتتاح این انجمن آغاز گردید و روزبروز بر توسعه و فعالیت آن افزوده شد.

تا قبل از انقلاب اسلامی عمده مراکز فرهنگی یهودیان تهران شامل دبیرستانهای: کوروش، ابریشمی، یوسف آباد، ارت، اتحاد ژاله و اتحاد نو زرگریان بود. بعد از انقلاب مدرسه اتحاد زرگریان از طرف دولت اسلامی مصادره گردید و تغییر نام داد.

کنیسه های تهران:

اولین کنیسه تهران در عصر فتحعلی شاه موسوم به "کنیسه بزرگ" توسط حاجی برخوردار ساخته شده است، اما کنیسه بزرگتری بعدها بنام "کنیسه یعقوب داود و پسر او عزرا یعقوب" با آب انباری که کلیه محله یهود تهران را آب میداد، ساخته شد. از مهمترین اماکن مقدس این جامعه تا قبل از انقلاب سال 1357 میتوان به کنیسه ابریشمی، کنیسه یوسف آباد، کنیسه اتحاد زرگریان اشاره نمود. بعد از انقلاب اسلامی کنیسه دبستان اتحاد زرگریان تعطیل گردید. همچنین یهودیان در پایتخت قبرستان خود را داشتن که بنام "بهشتیه" معروف بود.

*(ادامه دارد...)***خمین**

هرچند عقیده بر این است که این شهر از سال ۱۸۹۰ میلادی یهودی نشین شده و بتدریج بر تعداد آنها افزوده شده است، ولی دکتر حبیب لوی عقیده دارد که قطعاً خیلی زودتر از این تاریخ یهودیان ساکن این مکان بوده اند. بعقیده وی در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در خمین ۶۰ نفر یهودی ساکن بوده اند که بیشتر از اهالی گلبایگان میباشند.

رضائیه (ارومیه)

جامعه یهودی رضائیه از جمله جوامع قدیمی کلیمی ایرانی میباشند که از نوادگان مهاجرین شومرون بحساب می آیند. قبرستان کلیمیان این شهر نیز قدمت طولانی داشته و بیش از 500 سال تخمین زده میشود.

در کتاب تاریخ یهودیان ایران ذکر کوتاهی از یهودیان رضائیه (ارومیه) درج گردیده بدین عنوان که الياهو رحمیم شاعر یهودی ارومیه ای بوده و در حوالی سال 1650 (5661 عبری) تورات را به ترکی بنظم درآورده و تفیلاها (نمازهای کلیمیان) را به ترکی ترجمه کرده است. همچنین در اواخر جنگ جهانی اول که این شهر بدست روسها تصرف گردید، آشوریها به یهودیان ارومیه و حومه حمله کرده و عده کثیری از آنها بیرحمانه کشته شده و از 4 کنیسه این شهر دو تای آن خراب میشود. در این هنگام بسیاری از افراد این جامعه به بغداد مهاجرت کرده و ساکنین شهر آنها را در ناحیه ای بنام "محله مهاجرین" اسکان می دهند.

افراد این جامعه عموماً از تجارت امرار معاش مینمودند و شاگردان معلمان دینی نیز به دعا نویسی دستی اشتغال داشتند.

در این شهر 4 کنیسه وجود داشت که بزرگترین آن بنام "ملا موشه بزرگ" (موشه طبیب پدر طبیب یهودی مشهور شیخ عبدالله) بود.

تا قبل از انقلاب اسلامی در این شهر تنها يك مدرسه یهودی وجود داشته (دبستان گنج دانش) که پس از انقلاب بعلت مهاجرت یهودیان این شهر، این مدرسه مصادره و تغییر نام داده است.

زنده یاد حبیب لوی جمعیت یهودیان این شهر در سال 1876 میلادی را 500 خانوار اعلام کرده است. بگفته شالوم خمانی رئیس سابق انجمن یهودیان کردستان ایران، در ارومیه در سال 1948 در حدود 2000 یهودی زندگی میکردند که 1000 تن از آنها در سال 1951 به اسرائیل مهاجرت نموده و 600 نفر دیگر نیز بین سالهای 1957-1960 میلادی به اسرائیل و بسیاری نیز به شهرهای دیگر ایران مهاجرت نمودند.

شاهدین عینی در سال 1385 خورشیدی جمعیت یهودیان رضائیه را حداکثر دو خانوار اعلام نموده اند.

براساس شواهدی بعد از انقلاب اسلامی، قبرستان یهودیان رضائیه نیز بسته شده و تنها زمینی حصار بندی شده در حدود پانصد مترمربع با چند سنگ قبر از آن باقی مانده است.

مهاجرین رضائیه ای در اسرائیل به نام "انجمن نشدیدان" معروف اند و اکثراً در شهرهای خولون، اوریهودا، اورشلیم، تل آویو، پردس خنا، پتخ تیکوا و کادیمآ زندگی مینمایند.

رفسنجان

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران، در رابطه با جامعه یهودی رفسنجان در سال ۱۳۳۹ مینویسد:

"در روز چهارشنبه ۲۹ آذار ۵۷۰۲ (۲۷ اسفند ۱۳۲۰) این اطلاعات بدست آمده: اجتماع یهودیان در این محل از سال ۵۶۷۵ (۱۲۹۳ خورشیدی) میباشد و بعقیده حاخام اسحق سوفر از ۵۶۴۵ (۱۲۶۳ خورشیدی). از ۱۵ سال به این طرف ۲ کنیسه ساخته شده و ۳ تورات دارند و جمعیت یهودیان آنجا ۷۰ نفر است. حمام (عمومی) ندارند و عمل غسل (میقوه) را در کنیسه انجام میدهند. برای امور دینی به یزد و کرمان مراجعه مینمایند.

مدرسه نداشتند و اطفال عبری را نزد پدران خود میاموزند. ۱۲ دکان خرازی و بزازی فروشی دارد، تحت فشار نیستند، سه ربع آنها وضع اقتصادیشان خوب است."

ری

در رابطه با تاریخ یهودیان این شهر در کتاب تاریخ یهود ایران (مورخ ۱۳۳۹) آمده است:
"ری که خرابه های آن در جنوب تهران است، ابن خداداد در ۸۱۷ میلادی مینویسد که تجار یهودی (ردانیها) از برای تجارت آنجا آمدند و زبانهای یونانی، عربی، رومی، فرنگی، اسپانیائی و اسلاو می دانستند."

زرنجان

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران، در رابطه با جامعه یهودی زرنجان در سال ۱۳۳۹ مینویسد:
"زرنجان در دو فرسنگی اراک است و سابقا یهودی نشین بوده ولی کلیه (شامل ۳۰ خانوار) به گلپایگان و اراک مهاجرت کردند. توراتی در آنجا تا زمان اخیر (۱۹۳۹) بود که تاریخ سال ۵۶۵۲ را داشت. در ۱۸۷۶ دو کنیسه داشت (که گویا تا زمان نگارش این کتاب تنها یکی از آنها باقی مانده)".

ساوه

بر اساس گزارش کتاب تاریخ یهود ایران ساوه سابقا یهودی نشین بوده و نشانه از خرابه محله یهودی ها در آنجا باقی است.

سبزوار

در کتاب تاریخ یهود ایران در رابطه با یهودیان سبزوار آمده است: "از قول درویش سبزواری موسوم به الیاه (در عصر شاه اسمعیل و شاه طهماسب بتاریخ ۱۸۷۰ شطاروت = ۱۵۵۹ میلادی) که اشعار مفصل و دیوانی گفته اظهار میدارد که در آنوقت یهودیان زیادی در این شهر بوده و در آنجا دو کنیسه هم بوده که در اثر ظلم در این شهر یهودیان پریشان شده و از این شهر آورده میگردد و به یزد و کاشان میروند و عده زیادی نیز از آنها به بخارا کوچ مینمایند".

شیراز

بگزارش يك منبع موثق در تاریخ آذرماه ۱۳۸۴ (دسامبر ۲۰۰۵ میلادی) در حدود ۶۰۰۰ یهودی هنوز در شیراز ساکن هستند و در حدود ۱۳ کنیسا برای عبادت دارند. این جامعه دومین جامعه بزرگ یهودی ایران در اینزمان بحساب میاید که تعداد راو شوخط نیز دارا میباشد. جامعه یهودیان شیراز در این زمان همچنین يك مدرسه (کوثر) مخصوص خود دارند که دانش آموزان یهودی از دیگر مدارس شهر برای تعلیم امور دینی در این مکان تدریس کرده و رشته امور دینی آموزشی خود را در این مکان امتحان میدهند. (ادامه دارد. . .)

شوشتر

شهر شوشتر از شهرهای بسیار کهن ایران است. طبق روایت شهرستان شوش و شوشتر را شوشیند (شوسن) زن یزدگرد پسر شاپور ساخت، زیرا او دختر ریش گلوته پادشاه یهودیان و مادر بهرام گور بود.
حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران از جامعه یهودیان این شهر یا اینکه اصولا شهری یهودی نشین باشد ذکری بمیان نیاورده است.

کرمانشاه

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران، در رابطه با جامعه یهودی کرمانشاه در سال ۱۳۳۹ مینویسد:
"تاریخ ورود یهودیان به این شهر معلوم نیست ولی ربی بنیامین تودلادر ۸۰۰ سال قبل از این شهر صحبت کرده. شهر کرمانشاه سابقا بنام کر میشن خوانده میشد و در سال ۹۱۷ میلادی المقتدر خلیفه، او کبای رئیس جامعه یهود بغداد را به آن شهر تبعید نمود. این محل در عصر ساسانیان هم یهودی نشین بوده است. بنیامین دوم که در سال ۱۸۵۰ میلادی به این شهر مسافرت کرد جمعیت یهودیان آنرا ۴۰ خانوار صورت میدهد.

کنگاور

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران، در رابطه با جامعه یهودی کنگاور در سال ۱۳۳۹ مینویسد:
"يك کنیسا و تورات بزرگ دارد. گویند از ۷۰-۸۰ سال قبل یهودیان به این قصبه رفته اند. در سال ۵۰۷۲ عبری جمعیت آنجا ۵۰ نفر و ۱۰ دکاندار داشت. منشاء یهودیان این محل از نهاوند و تویسرکان و همدان است. پیر مردی بنام سیمان طوب ابن شلمو در آنجا وجود دارد که جدش از قزوین بوده است."

لار

بگفته دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران عقیده بر آن است که جامعه یهودیان لار در حوالی شیراز مانند اصفهان قدیمی است. جامعه این شهر یکی از مراکز بزرگ یهودی نشین ایران بوده که در عصر شاه عباس اول به بعد آن جامعه بزرگ خراب گردید او میافزاید در این شهر ۷۰ کنیسه وجود داشته و یشیووت (مراکز آموزشی یهودی) هم داشته و ۲۵ دختر "گمارا خوان" از این شهر بیرون میاید.
لار مکرر در اثر زلزله خسارت دیده و در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ میلادی) بکلی ویران گردید و عده کثیری از اهالی ان کشته شدند. شاید به همین علت از آن به بعد دیگر از یهودیان لار خبری بدست نیامده باشد.

لاهیجان

دکتر حبیب لوی معتقد است که این شهر زمانی یهودی نشین بوده و از این محل فرار کرده به سیاهکل میروند و از آنجا عده ای در ابتدای سلسله قاجار به تهران مهاجرت می نمایند و بیش از این دیگر اطلاعاتی از این جامعه در دست نیست.

مشهد

در خصوص تاریخ یهودیان مشهد (مهاجرت و اسکان آنها در این شهر) امنون نتصر محقق مشهور تاریخ یهودیان در کتاب خود مینویسد: یهودیان را نادر شاه افشار در سالهای بین ۱۷۴۰ و ۱۷۴۷ از نواحی گیلان و دیلمان و قزوین به قصد کلات نادری کوچانیده است. در این دوره بود که به علت قتل نادرشاه، تعدادی یهودی که بر حسب اتفاق به مشهد رسیده بودند، در پشت دیوار همین شهر، در جایی به نام "عیدگاه" که قبلاً متعلق به زرتشتیان بود، سکونت اختیار کردند و سالها بعد در تاریخ ۲۷ مارس ۱۸۳۹ یهودیان مشهد را به زور مسلمان کرده اند. وی میافزاید: نسبت دادن یهودیان مشهد به دوره صفویه فعلاً پشتوانه تحقیقی ندارد.

جامعه یهودیان مشهد که بزبان عبری "آنوسه مشهد" (آنوسه بمعنی کسانی هستند که ایمان و عقایدشان مورد تجاوز قرار گرفته و بزور تغییر دین داده اند) نامیده شده اند از لحاظ حفظ آداب و رسوم مذهبی و رعایت دستورات تورات کاملاً مشهور بوده و در شرایط بسیار دشواری ضمن حفظ رسوم مذهبی خود به عبادت و نیایشهای خود ادامه میدادند تا اینکه با خواست خداوند بزرگ و در سایه خردمندانه شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر آرمان های آن قوم جامعه عمل پوشیده و از آن پس این جامعه آزادانه به عبادت و رسوم مذهبی خود ادامه دادند. شکی نیست که در این استقامت وجود رهبران مذهبی این جامعه و راهنمائی های آنها نقش بسزائی داشته است.

(ادامه دارد...)

ملایر

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران، چاپ ۱۳۳۹ تعداد یهودیان ملایر را در آلمان ۳۵۰ نفر اعلام مینماید که برای خود يك کنیسه و ۱ حمام عمومی داشتند. او میافزاید که قبلاً عده ای از این افراد بهادی شدند. از قرار معلوم تا زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ و حتی پس از آن هنوز در ملایر خانواده های یهودی وجود داشته اند.

مهباد

شهر مهباد در ترکیب فعلی، نخست در اوایل قرن یازدهم هجری توسط سارم بیگ از ملوک کرد ساوجبلاغ موکری، در بخش شمالی نزدیک به خم رودخانه مهباد بنا گردید. قبل از جنگ جهانی اول فرق مختلف قومی و مذهبی از جمله یهودیها، ارمنه، آشوریها، ترکها و ... در کنار ساکنان بومی منطقه به خوشی زندگی میکردند. کلیمی ها حدوداً در مرکز شهر در محله ای بنام محله کلیمیان (که ره کی جوله کان) سکونت داشتند و در کمال آرامش ضمن همزیستی مسالمت آمیز با همدیگر تمامی مراسمات شادی و عزای خود را برگزار میکردند.

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران جمعیت یهودیان مهباد در سال ۱۸۷۶ میلادی را ۲۰۰ خانوار تخمین زده و اضافه میکند مسیو باسان در سال ۱۹۰۱ در راپرتی به الیانس تعداد یهودیان ساوجبلاغ (مهباد) را ۱۷۵ خانوار گزارش کرده است.

نهاوند

دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران جمعیت یهودیان نهاوند در سال ۱۳۳۹ را ۶۰۰ نفر اعلام نموده که این جامعه در آلمان ۱ کنیسه و ۱ حمام عمومی داشته اند. وی میافزاید: در دو سه فرسنگی نهاوند راه بروجرد زیارتگاهی وجود دارد که بدست مسلمانها است و معروف به قبر هوشع بن باری میباشد که یهودیان از آن زیارت میکنند. همچنین يك مقبره هم در باغات شهر بنام کدلاعومر وجود دارد. او میافزاید: اسم نهاوند در تلمود مذکور است.

بگزارشی تا قبل از انقلاب اسلامی گویا در حدود ۲۰۰۰ یهودی در شهر نهاوند زندگی میکردند. از مراکز آموزشی این جامعه تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷ میتوان به دبیرستان ارت اشاره نمود.

هوسین

تنها اطلاعات بدست آمده از یهودیان این ناحیه در کتاب تاریخ یهود ایران نوشته دکتر حبیب لوی است که مینویسد (در سال ۱۳۳۹) عده قلیلی دکاندار و بزاز دارد.

منابع:

- کتاب تاریخ یهود ایران (جلد سوم) - تالیف دکتر حبیب لوی - چاپ اول ۱۳۳۹ شمسی

- وبلاگ شهر آبادان: <http://abadanblog.persianblog.com/>

- سایت اینترنت روزنامه همشهری - تهران

- وبلاگ شهر ازنا: <http://aznaazna.persianblog.com/>

- سایت اینترنت: <http://www.kalame.com>

- سایت اینترنت: <http://www.ostan-ag.gov.ir/farmandari/mahabad/tarikh.asp>

- وبلاگ: <http://www.falakolafalak.blogfa.com>

- وبلاگ شهر بوکان: <http://www.akarcic.blogfa.com>

- سایت اینترنت یهودیان کردستان: <http://www.kurdishjewry.org.il>

- گزارشات عینی ساکنین

هموطنان گرامی،
جهت تکمیل هرچه بیشتر این بخش، به کمک شما نیازمندیم. خواهشمندیم چنانچه عکس، اطلاعات و توضیحاتی در رابطه با مطالب بالا دارید،
آنها به آدرس پست الکترونیک ما (penhasi@gmail.com) ارسال دارید.

تمامی حقوق برای انتشارات شهید محفوظ است. © <http://www.shahyad.net>